

# موقعیت‌گرایی اخلاقی

## رویکرد اخلاقی استاندارد حکمرانی سازمانی چیست؟

### اشاره

مسائل اخلاقی از عمده‌ترین چالش‌های مدیریتی در سطح ملی و سازمانی هستند. عملکرد اقتصادی را بوسیله شاخص‌هایی مانند درآمد، هزینه و سود اندازه‌گیری می‌کنند و عملکرد اجتماعی در قالب تعهدات داخلی و خارجی سازمان نسبت به دیگران بیان می‌شود. اگر پایبندی به اصول اخلاقی نباشد پاره‌ای به نام عملگرایی برای رسیدن به هدف به هر کاری دست می‌زنند و هر رفتار و گفتاری را مجاز می‌دانند. به همین دلیل در استاندارد حکمرانی سازمانی به این موضوع توجه شده است و به نظر می‌رسد این توجه را در قالب اخلاق موقعیت باید مورد توجه قرار داد. برای درک اخلاق موقعیت باید جایگاه آن را در منظومه معرفت مورد توجه قرار داد.

### اخلاق چیست؟

اخلاق<sup>۱</sup> مجموعه معیارهایی است که رفتارهای پسندیده یا ناپسند، درست یا غلط و بایسته و شایسته و... را مشخص می‌کند. هدف اخلاق فراهم آوردن اصول، آگاهی‌ها و ضوابطی است که به افراد کمک کند تا از میان گزینه‌های گوناگون رفتاری یکی را انتخاب کنند. اساسی‌ترین پرسش علم اخلاق این است که چه کاری خوب است؟ پاسخ به این پرسش در چارچوب فلسفه تحلیلی ریشه در فرااخلاق (Metaethics) و نظریه اخلاق هنجاری (Normative Ethics) دارد. فرااخلاق بر چیستی اخلاق متمرکز است و به محمولات در هر گزاره اخلاقی مانند: باید، تکلیف، مسئولیت، درست، نادرست و... می‌پردازد.<sup>۲</sup> در فرااخلاق پرسیده می‌شود: انسان‌ها وقتی از کلمه‌هایی مانند خوب و بد، باید و نباید و... در باره رفتار اخلاقی استفاده می‌کنند در حال چه کاری هستند؟ ارزش اخلاقی چیست؟ آیا ارزش‌های اخلاقی مشابه اشیا و خاصیت‌ها هستند؟ ارزش‌های اخلاقی از کجا می‌آیند، منبع آنها چیست؟ آیا درست و غلط اخلاقی برای تمام انسان‌ها در همه زمان‌ها یکی است یا اخلاقیات فرد به فرد، فرهنگ به فرهنگ فرق می‌کند؟... اخلاق هنجاری به موضوع گزاره می‌پردازد

### غلامرضا خاکی

کارشناس اقتصادی

در پیامدگرایی بر این نکته تأکید دارند که نتایج هر عمل، تعیین‌کننده درست‌ی و اعتبار هر حکم اخلاقی درباره آن عمل است

و در آن سوالاتی مطرح می‌شود مانند چه کاری باید کرد؟ در دنباله به طبقه‌بندی نظریه‌های اخلاق هنجاری با توجه به کارکرد آنها در عملگرایی اشاره خواهد شد:

### نظریه‌های اخلاق هنجاری

نظریه‌های هنجاری اخلاق به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند:

#### الف) وظیفه‌گرایی اخلاقی (Deontological)

وظیفه‌گرایی اخلاقی می‌گویند در درون هر عمل ویژگی‌های ذاتی وجود دارد<sup>۳</sup> که باعث خوبی یا بدی آن می‌شود. برای نمونه اگر کمک به دیگران خوب است، چون خود این کار خوب است نه به دلیل اینکه برای ما نتایج خوبی دارد.<sup>(۴)</sup> وظیفه‌گرایی با توجه به نقشی که برای قواعد کلی یا عمل در نظر می‌گیرد به وظیفه‌گرایی اخلاقی، وظیفه‌گرایی قاعده‌محور (Rule - deontological) و وظیفه‌گرایی عمل‌نگر (act - deontological) قابل تقسیم است.

#### ب) پیامدگرایی / غایت‌گرایی (Consequentialism)

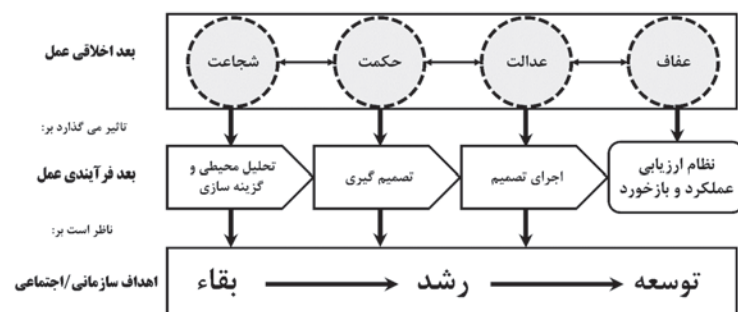
در پیامدگرایی بر این نکته تأکید دارند که نتایج هر عمل، تعیین‌کننده درست‌ی و اعتبار هر حکم اخلاقی درباره آن عمل است. پیامدگرایان بر این عقیده‌اند که ارزش‌هایی وجود دارند که مقدم بر اخلاق هستند؛ یعنی همواره بعضی چیزها خوب و بعضی چیزها بد خواهند بود. نمونه‌هایی از دیدگاه پیامدگرایی عبارتند از: سودمند(فایده)‌گرایی (utilitarianism)<sup>(۵)</sup> و فایده‌باوری قاعدنگر (Rule - utilitarianism) که جرمی بنتام<sup>(۶)</sup> و جان استوارت میل مطرح کردند. همه نظریه‌های نتیجه‌گرایانه بر این اصل توافق دارند که درست‌ی و نادرستی اخلاقی اعمال، بوسیله ارزش نتایج آنها تعیین می‌گردد که خارج از قلمرو اخلاق است. پیامدگرایی به دو شاخه پیامدگرایی قاعدنگر (Rule-Consequentialism) و پیامدگرایی عمل‌نگر (Act-Consequentialism) تقسیم می‌شود.

#### ج) فضیلت‌گرایی

فضیلت (Virtue)<sup>(۷)</sup> نوعی خصلت و قابلیت مطلوب است که به آن منش اخلاقی نیز گفته می‌شود. سعادت‌گرایان در تبیین مفهوم فضیلت بر اموری مانند صفت درونی، عادت و تمرین، انگیزه و پایه‌ای بودن برخی ویژگی‌های انسانی تأکید می‌کنند. تأکید بر فضیلت فاعل اخلاقی، تقدم مفاهیم خوب و بد بر مفاهیم باید و نباید، اهمیت دادن به اموری مانند انگیزه‌ها و اندیشه‌های باطنی، توجه به نقش اسوه‌های اخلاقی و عینی دانستن فضایل اخلاقی از مهم‌ترین شاخصه‌های فضیلت‌گرایی هستند. در شکل شماره (۱) نشان داده شده که چگونه اخلاق فضیلت‌گرایانه بر فرآیند عمل و چندوجهی تحقق اهداف سازمانی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد:

اخلاق حرفه‌ای به دلیل پیوند اشخاص با کار موضوعیت می‌یابد. در این رویکرد، اخلاق شخص از زاویه فردی موضوعیت ندارد. برپایه هر یک از نظریه‌های هنجاری وظیفه‌گرایی، نتیجه‌گرایی می‌توان اخلاق

شکل شماره (۱): بعد اخلاقی عمل بر فرآیند عمل



وضعیت‌گرایان بر این باورند که عامل تعیین‌کننده انتخاب نوع رفتار اخلاقی، موقعیتی است که فاعل اخلاقی در آن قرار گرفته است لذا یک رفتار بسته به اینکه اوضاع و شرایط چه اقتضایی دارد ممکن است دو حکم اخلاقی متفاوت داشته باشد.

حرفهای تعریف کرد.

### نسبیت‌گرایی اخلاقی

کلیت‌پذیری (principle of universality) احکام اخلاقی یعنی اینکه اگر عملی برای شخصی در وضعیتی درست (یا نادرست) باشد، آنگاه برای هر شخصی که مشابه شخص اول باشد در آن وضعیت نیز درست (یا نادرست) است. بر این پایه باید درباره اعمال یکسان داوری کرد مگر اینکه از نظر اخلاقی تفاوت‌های مشخصی میان آنها وجود داشته باشد. درباره مبنای کلیت‌پذیری، سرچشمه حجیت آن و تعریف آن، دیدگاه‌های متنوعی وجود دارد. برخی مانند ارسطو سنت قانون طبیعی، دیوید هیوم، طبیعت مشترک انسان‌ها، کانت، عقلانیت و... را مبنای اخلاقی می‌دانند. کانت کلیت‌پذیری را شرط پذیرفتنی بودن احکامی می‌داند که اخلاقی باشند. او می‌گوید: «تنها بر پایه ضابطه‌های عمل کن که بتوانی در عین حال اراده کنی که به صورت قانونی کلی درآید.» بر این پایه، مراد از مطلق‌گرایی (Absolutism) اخلاقی، تاکید بر این باور است که اصول و گزاره‌های اخلاقی وابسته به هیچ امری خارج از ذات موضوعات اخلاقی و آثار و نتایج واقعی آنها نیستند. نسبیت‌گرایی اخلاقی (Moral relativism) به این معنا است که مفاهیم اخلاقی هیچ ذاتی ندارند. ارزش‌ها و اصول و احکام اخلاقی ثابت نیستند و همواره به اختلاف زمان و مکان و نسبت به افراد یا توافق قراردادی جوامع تغییرپذیرند و وابسته به میل و سلیقه افراد یا قراردادهای آنهاست.<sup>(۶)</sup> نسبیت‌گرایی دارای انواعی است مانند زیر:

**الف) نسبیت‌گرایی توصیفی:** هر جامعه‌ای مجموعه ارزش‌های اخلاقی خاصی دارد که ممکن است با هم در تضاد و تعارض باشند. این اختلاف‌های اخلاقی، سطحی و قابل حل نبوده، بلکه بنیادی و غیرقابل حل هستند.

**ب) نسبیت‌گرایی هنجاری:** افراد و جوامع نباید بر رعایت اصول ثابت اخلاقی پافشاری کرده و ارزش‌های اخلاقی مورد پذیرش دیگران را براساس معیارهای مقبول خودشان ارزش‌گذاری کنند.

**ج) نسبیت‌گرایی معرفت‌شناختی:** نظام‌های اخلاقی متعدد هستند، حتی در میان احکام یا نظام‌های اخلاقی متضاد و متعارض، ممکن است چند تا درست باشند. زیرا این گونه نیست که تنها یک نوع حکم یا نظام خاص اخلاقی، از نظر عقلی موجه و معتبر باشد.

### موقعیت (وضعیت)‌گرایی اخلاقی

وضعیت‌گرایان معتقدند هیچ قاعده از پیش تعیین‌شده‌ای برای تشخیص درستی و نادرستی رفتاری وجود ندارد و جستجوی قواعد برای تشخیص درست و غلط رفتاری، بیهوده است. منطق اخلاق وضعیت‌گرایانه این است که نظریه‌های اخلاق هنجاری که متکی بر قواعد هستند، توان پاسخگویی به نیازهای اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های عملی را ندارند. وضعیت‌گرایان بر این باورند که عامل تعیین‌کننده انتخاب نوع رفتار اخلاقی، موقعیتی است که فاعل اخلاقی در آن قرار گرفته است لذا یک رفتار بسته به اینکه اوضاع و شرایط چه اقتضایی دارد ممکن است دو حکم اخلاقی متفاوت داشته باشد. جوزف فلچر<sup>(۷)</sup> می‌گوید: «مهم‌ترین جنبه زندگی اخلاقی، تبعیت کور کورانه از قواعد و وظیفه‌گرایانه نیست، بلکه التزام به روحیه مهرآمیز است که همواره باید آن قواعد را تقویت کند. این دغدغه مهرآمیز در میل عملی به برآوردن نیازهای انسان تجلی کرده است. براین پایه هر چیزی که در بهبود وضعیت انسان سهمی باشد باید با شور و

شوق حمایت شود.» وی می‌پرسد: «آیا نیازهای انسانی معین می‌کنند که چه رفتاری اخلاقی است یا حقوق انسانی؟ آیا باید از قضایای عام (کلیات) یا از داده‌های تجربی، موقعیت‌های متغیر و ارزش‌های انسانی به تصمیم‌های هنجاری رسید؟ اگر معتقد باشیم در اخلاق حقوق انسان‌ها یا تکلیف الهی مقدم است در واقع درباره معیارهای تشخیص درستی اخلاقی رفتارها به قاعده‌گروی تمایل نشان داده‌ایم. به این معنا که رفتاری از نظر اخلاقی درست است که مبتنی بر رعایت حقوق انسانی باشد، در حالی که باید دید در چه وضعیتی هستیم.»<sup>(۸)</sup> وضعیت‌گرایان اعتقاد دارند که قواعد اخلاقی رایج در هر جامعه سه ضعف جدی زیر را دارند:

• قواعد همیشه استثناپذیرند و ممکن است با هم تعارض داشته باشند.

• قواعد رایج در هر جامعه خشک‌اند و نسبت به شرائط انعطاف‌پذیر نیستند.

• قواعد اخلاقی در فرهنگ‌های گوناگون تفاوت دارند.

### هرم عقلانیت اخلاقی موقعیت‌گرا

می‌توان در یک داوری کلی و شهودی گفت احکام اخلاقی عمل‌نگر، جزئی نیستند، بلکه بطور ضمنی کلی‌اند. یعنی هنگامی که کسی در اوضاع و احوال خاصی، حکمی اخلاقی صادر می‌کند، یعنی در موقعیت‌های مشابه نیز می‌توان همان گونه حکم کرد. محمولات اخلاقی چنان هستند که اگر به عمل یا موضوعی تعلق گیرند، در هر عمل یا موضوع دیگری هم که همان خصوصیت‌ها را داشته باشد، نیز مصداق دارند، یعنی اگر چیزی در یک مورد خاص، دلیل باشد باید در هر مورد مشابه دیگری نیز دلیل باشد. این نکته را اصل تعمیم‌پذیر (universalizability) نامیدند، اما وضعیت‌گرایان بر این باورند هر موقعیتی متفاوت و یگانه است لذا نمی‌توان دو موقعیت را یافت که با هم یکسان باشند. البته در این میان بخت اخلاقی (Moral Luck) را نیز نباید فراموش کرد. از سویی دیگر اگر آموزش اخلاق یعنی استدلال درباره اصول درست تشخیص عمل اخلاقی به دیگران باشد این پرسش پیش می‌آید که وقتی همه چیز تعریف نشده است چگونه به کارکنان بیاموزیم که در موقعیت‌های گوناگون راه درست اخلاقی را بیابند؟

برپایه آنچه گذشت می‌توان گفت بیشتر عملگرایان معتقدند حکم اخلاقی در هر مورد را با ارجاع به قوانین کلی نمی‌توان بدست آورد، بلکه در هر موقعیت جزئی، جداگانه و بدون توسل به هیچ قاعده‌ای، باید بررسی کرد چه چیزی درست است که باید انجام شود. برای

### نکته‌هایی که باید بدانید

- هر جامعه‌ای مجموعه ارزش‌های اخلاقی خاصی دارد که ممکن است با هم در تضاد و تعارض باشند. این اختلاف‌های اخلاقی، سطحی و قابل حل نبوده، بلکه بنیادی و غیرقابل حل هستند.
- اخلاق حرفه‌ای به دلیل پیوند اشخاص با کار موضوعیت می‌یابد. در این رویکرد، اخلاق شخص از زاویه فردی موضوعیت ندارد. برپایه هر یک از نظریه‌های هنجاری وظیفه‌گرایی، نتیجه‌گرایی می‌توان اخلاق حرفه‌ای تعریف کرد.
- بیشتر عملگرایان معتقدند حکم اخلاقی در هر مورد را با ارجاع به قوانین کلی نمی‌توان بدست آورد، بلکه در هر موقعیت جزئی، جداگانه و بدون توسل به هیچ قاعده‌ای، باید بررسی کرد چه چیزی درست است که باید انجام شود.

وظیفه‌گرایان اخلاقی می‌گویند در درون هر عمل ویژگی‌های ذاتی وجود دارد که باعث خوبی یا بدی آن می‌شود. برای نمونه اگر کمک به دیگران خوب است، چون خود این کار خوب است نه به دلیل اینکه برای ما نتایج خوبی دارد. وظیفه‌گرایی با توجه به نقش‌ها که برای قواعد کلی یا عمل در نظر می‌گیرد به وظیفه‌گرایی اخلاقی، وظیفه‌گرایی قاعده‌محور و وظیفه‌گرایی عمل‌نگر قابل تقسیم است

ممکن را برای خودم و دیگران در کوتاهمدت و بلندمدت در پی خواهد داشت؟

عملگرایی راستین بر پایه پاسخی که به این پرسش می‌دهد باید تصمیم بگیرد: آیا مجاز است که عمل مورد نظر را انجام دهد یا نه؟

### هرم مفهومی تشخیص عمل عقلانی-اخلاقی

عملگرایان در خلأ فعالیت نمی‌کنند و بر پایه فهم خود از واقعیت‌های عینی تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند، لذا نگارنده بر این باور است که عمل هر عملگرا، بر پایه استنباطی است که در برآیند مؤلفه‌های زیر در چارچوب تفسیر ذهنی او حاصل می‌شود. اگر فضای عمل را به هرم<sup>۵</sup> تشبیه کنیم می‌توان آن را در قالب شکل (۲) تشریح کرد:

(الف) وجه‌های جانبی هرم: ابعاد اخلاقی عملگرایی

- (۱) مثلث OAD = نتیجه‌گرایی عمل محور حداکثری، (۲) مثلث ODC = وظیفه‌گرایی عمل محور (۳) مثلث OCB = فضیلت‌گرایی فاعل محور، (۴) مثلث OAB = رفتارهای اخلاقی عملگرایان الگو.

(ب) ضلع‌های قاعده هرم: تبیین و فهم عقلایی از واقعیت

AB = اقتضای شرایط و موقعیت محیطی

BC = الزام اهداف و مأموریت سازمانی - اجتماعی

AD = منافع ذینفعان (مشتریان، شهروندان، کارکنان، سهامداران و...)

DC = ویژگی‌های ساختار قدرت اجتماعی - سیاسی - اقتصادی.

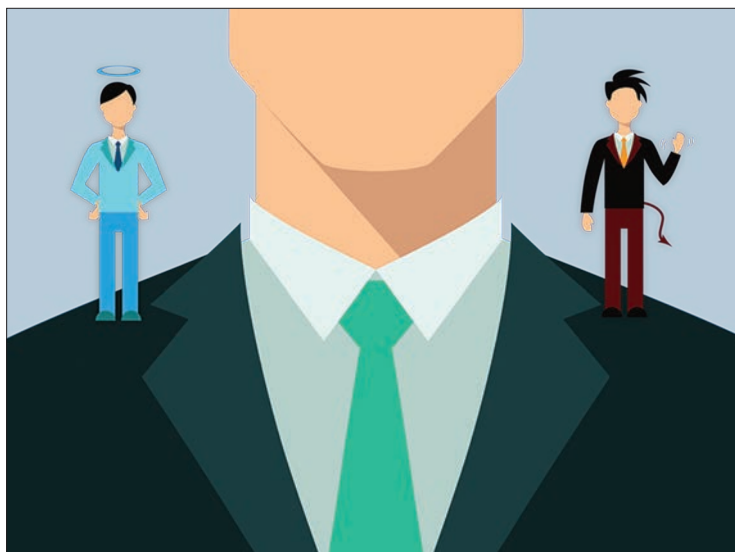
این هرم همیشه در دنیای واقعیت‌های انسانی، منتظم نیست و اضلاع آن مورد به مورد و در هر مرحله‌ای برای عملگرایان متغیر خواهد بود، در نتیجه ارتفاع آن نیز متفاوت می‌گردد و فضای فهم و استنباط و احوالات تصمیم‌گیرنده نیز در قبض و بسط افتاده و از حالت منظم خارج می‌شود. ■

### پی‌نوشت‌ها

۱. واژه ethics از ریشه یونانی ethos و واژه moral and morality از ریشه لاتین mos می‌آید و هر دو به عادات و هنجارهای مردم اشاره دارند. واژه Ethics در معنای آداب و رسوم اجتماعی (custom) و همچنین شخصیت (character) به کار گرفته می‌شود.
  ۲. هر گزاره اخلاقی از سه قسمت تشکیل شده است: موضوع، محمول و فعل ربط. هر محمول یعنی آن چیزی که به موضوع نسبت داده می‌شود مانند خوب در گزاره «راستگویی خوب است.»
  ۳. این موضوع در کلام اسلامی در قالب حسن و قبح ذاتی اعمال مطرح شده است.
  ۴. فضیلت ترجمه واژه آرته (arete) یونانی است، معادل لاتین آن Virtus و کاربرد رایج انگلیسی آن Virtue است. آرته ریشه در واژه aner به معنای توان مرد در برابر زن دارد. کاربرد آن به شش قرن پیش از میلاد می‌رسد و توسط افلاطون و ارسطو در معنای اخلاقی تثبیت می‌شود.
  ۵. اگر تمام ضلع‌های قاعده هرم با یکدیگر برابر باشند، آن هرم منتظم خواهد بود. در صورتی که شرط بالا برقرار نباشد، هرم نامنتظم است. برای محاسبه حجم هرم ابتدا باید مساحت سطح قاعده را حساب کرد و سپس در ارتفاع ضرب و مقدار حاصل را بر عدد ۳ تقسیم کرد.  $[S(h) = \frac{1}{3}V]$
- (V) نماد حجم هرم، S اندازه مساحت سطح قاعده و h نیز ارتفاع هرم است.)

### منابع

۱. کانت، ایمانوئل (۱۷۷۸) درس‌های فلسفه اخلاق، منوچهر صانعی دره‌بیدی، نقش ونگار
۲. نک: ملگان، تیم (۱۴۰۰) درآمدی به فهم فایده‌گرایی، بهنام خدایینا، کتاب طه
۳. جرمی بنتام (Jeremy Bentham) فیلسوف، حقوق‌دان و اصلاح‌گر اجتماعی انگلیسی در ۱۷۴۸ م به دنیا آمد. او به عنوان بنیانگذار فایده‌گرایی مدرن شناخته می‌شود. او در ۶ ژوئن ۱۸۲۲ م در لندن درگذشت. او وصیت کرد تا بدنش را با یوتجه پر کنند و بر روی یک صندلی بگذارند. بدن او امروزه در دانشگاه لندن وجود دارد.
۴. نک: لوی، نیل (۱۳۹۰) نسبی‌گرایی اخلاقی، اسفندیار زندپور، انتشارات امیرکبیر
۵. جوزف فرانسیس فلچر (Joseph Fletcher) ۱۰ آوریل ۱۹۰۵ م در نیوجرسی به دنیا آمد. او بنیانگذار نظریه اخلاق موقعیتی در دهه ۱۹۶۰ م در زمینه اخلاق زیستی پیشگام است. او در ۲۸ اکتبر ۱۹۹۱ م در ورورجینیا درگذشت.
۶. نک: حسینی، سیداکبر، اخلاق وضعیتی؛ بررسی و نقد، معرفت، ۱۳۸۷ ش ۱۳۳.



عملگرایان، واقعیت تبدیل به موقعیت می‌شود لذا بسیاری از کدها و شاخص‌های رفتاری که مبتنی بر منشورهای اخلاقی ایستا هستند، عملگرایان را برای عمل در راستای اقتضای هدف با محدودیت روبرو می‌سازد. لذا آنان با این چالش روبرو می‌شوند که اگر قواعد و اصولی در اخلاق نیست پس چگونه باید اخلاقی عمل کرد؟ اگر هر موقعیتی یگانه و جزئی است در دو راهی اخلاقی (Dilemmatic) و یا چند راهی اخلاقی، چگونه راه درست را انتخاب کنند؟...

باید در پاسخ گفت عملگرایانی که دغدغه پاسخگویی به افکار عمومی، وجدان شخصی و خدای خویش دارند برای آنکه در افراط یا تفریط گرفتار نشوند، باید پیش از هر اقدامی، پرسش زیر را صادقانه از خود بپرسند و بکشند بدون سوگیری به آن پاسخ دهند:

آیا عملی که انجام آن در موقعیت (حالا و اینجا) پیش روی من ضروری می‌نماید یک وظیفه اخلاقی است؟ وظیفه‌ای که اگر آن را فضیلت‌مندانه انجام دهم، بهترین و بیشترین نتیجه و پیامدهای

شکل (۲): هرم تشخیص عمل عقلانی-اخلاقی

